

بررسی و تحلیل تطبیقی مضامین زهد در دیوان منسوب به امام حسین(ع) و دیوان حافظ

مرتضی براری رئیسی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۹

حسین تکتبار فیروزجایی**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۴

چکیده

امام حسین(ع) سرور زاهدان و یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های دینی است که اشعارش از جهت محتوایی بسیار ارزشمند بوده و بیش‌تر مضامین زهدیات ایشان، در دیوان حافظ نیز به چشم می‌خورد. از جمله این مضامین نکوهش دنیا و دنیاپرستی، پرهیز از ثروت‌اندوزی، نکوهش غرور، مرگان‌اندیشی، دوری از فساد و گناه، خضوع و افتادگی، توبه، قناعت و سرکوب هوای نفس است. گفتنی است که زهدیات امام(ع) و حافظ، زبانی ساده داشته و ممتاز به ویژگی‌هایی چون کاربرد الفاظ و مضامین قرآنی، الفاظ ساده و روان و موسیقی دلنشین است. امام(ع) در اشعارشان کم‌تر از صور خیال بهره برده‌اند اما این تصاویر بیانی در شعر حافظ به وفور مشاهده می‌شود. بنابراین به خاطر ارزش محتوایی اشعار امام(ع) و حضور مضامین زاهدانه ایشان در دیوان حافظ و عدم تحقیق در این خصوص، این پژوهش، تلاش می‌کند که با روش توصیفی-تحلیلی، مضامین زهدیات ایشان را در دیوان حافظ مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژگان: امام حسین(ع)، حافظ، شعر، مضامین، زهدیات، نکوهش.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران(هربی).

Mortezabarari63@yahoo.com

** عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، قم، ایران(استادیار).

نویسنده مسئول: مرتضی براری رئیسی

مقدمه

امام حسین(ع) سرور آزادگان و از درخشان‌ترین رهبران مصلحی است که کاروان انسانیت را به سوی اهداف و آرزوهایش به حرکت درآورد. ایشان، مظهر آزادگی، طهارت، حق‌طلبی، فداکاری، ایستادگی در برابر ناحق و مظهر همه مکارم اخلاق و مضامین زهد و حکمت است. وی علاوه بر خطبه‌های ارزنده، شعرهای زیبایی نیز در موضوع زهد و حکمت دارد که برای هدایت مردم و رستگاری آن‌ها سروده و از جهت محتوایی بسیار ارزشمند است. بنابراین به خاطر ارزش محتوایی اشعار/امام(ع) و عدم تحقیق در این خصوص، شناساندن افکار دینی و زاهدانه شعر ایشان ضرورت داشته و ما در این تحقیق، تلاش می‌کنیم تا با روش توصیفی-تحلیلی، زهدیات ایشان را با زهدیات حافظ شیرازی، مقایسه کنیم و با بیان مضامین مشترک به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: چه مفاهیم و مضامین مشترک زهدی در دیوان منسوب به امام حسین(ع) و دیوان حافظ وجود دارد؟ ویژگی‌های زهدیات امام حسین(ع) و حافظ شیرازی چیست؟ اما فرضیه ما این است که امام حسین(ع) شخصیت نادر تاریخ است که به خاطر انگیزه‌های الهی، نفسانی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به مضامین زهد توجه داشته، و بسیاری از مضامین زهد در شعرشان چون عدم دلبستگی به دنیا، مرگ‌اندیشی، نکوهش غرور، توبه و ... در دیوان حافظ نیز به چشم می‌خورد. نیز به نظر می‌رسد که زهدیات امام(ع)، دارای ویژگی‌های چون زبانی ساده، ترکیبات ساده و آهنگین، دوری از استعارات و پیچیدگی لفظی و معنوی، کاربرد الفاظ و مضامین قرآنی و موسیقی دلنشین باشد اما امکان دارد که زهدیات حافظ نیز ممتاز به این ویژگی‌ها باشد.

پیشینه پژوهش

گفتنی است که در مورد شعر زهد در ادبیات عربی، پژوهش‌های زیر صورت گرفته است، از جمله پایان‌نامه دکتری «موازنه زهدیات ابوالعتاهیه با زهدیات سنایی در حدیقة الحقیقة»، نوشته مرتضی قائمی (۱۳۸۳) که نویسنده در آن، آبشخور فکری این دو شاعر و وجوه اشتراک و افتراق زهدیات آن‌ها را در دو سطح صورت و معنی مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله «سیری در مضامین و معانی زهد در اشعار سنایی غزنوی و ابو اسحاق

البیری» اثر سید مهدی مسبوق و همکاران او (۱۳۹۲) که نویسندگان به مضامین مشترک زهد در اشعار دو شاعر چون مرگ‌اندیشی، دنیا‌گریزی، مذمت کاخ‌نشینان، و قناعت‌پیشگی توجه کرده و در آن از وجوه اشتراک زبانی آن‌ها نیز سخن گفتند. و مقاله‌هایی از این قبیل. در مورد دیوان / امام حسین(ع) نیز مقاله‌هایی با عناوین زیر وجود دارد: مقاله «ترجمه دیوان امام حسین(ع)» اثر حسام‌فرمان سالار (۱۳۸۶) که در کتاب ماه ادبیات (شماره ۱۰) چاپ شده و نویسنده در آن، از ترجمه دیوان حضرت و صحت انتساب برخی از اشعار به ایشان سخن گفته است. در مورد شعر حافظ نیز پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های مختلفی نوشته شده است، اما تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، در مورد بررسی و تحلیل تطبیقی مضامین زهد در شعر / امام حسین(ع) و حافظ شیرازی، تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است و چنین پژوهشی می‌تواند کنکاشی نو در این زمینه باشد.

مختصری درباره زهد و مفهوم آن

زهد در تمامی قاموس‌ها، معنای لغوی مشابه و تقریباً واحدی دارد. معنای «ترک و بی‌توجهی» از مهم‌ترین معانی لغوی زهد است (فیروزآبادی، ۱۹۹۱: ماده زهد و نیز جواهری، ۱۴۰۷: ماده زهد). / ابن‌اثیر در کتاب «النهاية» می‌نویسد: «الزهد قليل الشيء: زهد چیز اندک و ناچیز است» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ماده زهد). برای زهد اصطلاحی، تعاریف گوناگونی ذکر کرده‌اند. برخی زهد را اعراض نفس از دنیا و زیبایی‌های آن تعریف کرده‌اند (خوئی، ۱۳۸۵: ۵ / ۳۲۵).

شعر زهد در اصطلاح اهل ادب، نوعی از شعر است که در آن شاعران به نکوهش دنیا و اخلاق مردم دنیا طلب و امثال آن مضامین می‌پردازند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۳۷). زهد در اصطلاح سالکان، بیرون آمدن از دنیا و آرزوهایی است که انسان به آن تعلق دارد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹ / ۱۳۰۲). زهد، موضوعات فراوانی دارد که «مهم‌ترین آن‌ها، رنج روحی، جهاد نفس، تصفیه دل از شهوت و هوس، یادآوری مرگ و حفظ کرامت انسانی است» (زینی‌وند، ۱۳۹۰: ۱۵۲). مشخص‌ترین خصوصیات اشعار زهدی، سهولت الفاظ، وضوح معنی و عدم پیچیدگی و تکلف است.

مختصری درباره امام حسین (ع) و حافظ شیرازی

امام حسین(ع) شبیه‌ترین مردمان به پیامبر(ص) بود(الطبرانی، ۱۹۹۲: ۲۵). سخنان ایشان مانند شخصیتش ویژه بوده و در امتداد سخنان پیامبر(ص) و امام علی(ع)، سلطان بلاغت و فصاحت و بیان است(الشیرازی، ۲۰۰۰: ۶). طبق روایات، ایشان شعر نیز دارد و بیش‌تر شعرهای روایت‌شده ایشان، همان‌هایی هستند که به آن‌ها مثال زدند(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۰۰) و مضامینی چون توحید و خداشناسی، آخرت و زندگی پس از مرگ، مکارم اخلاقی و نکوهش دشمنان دارند. حافظ شیرازی نیز از مشهورترین غزل‌سرایان شعر فارسی یا به تعبیر بهتر، بهترین شاعر فارسی است که در قرن هشتم زندگی می‌کرده است. او دیوانی دارد که معدن عشق، عرفان، فضایل اخلاقی و موارد دیگر است.

جایگاه زهد در دیوان منسوب به امام حسین(ع) و دیوان حافظ شیرازی

امام حسین(ع) مانند پدرش سید زاهدان بود. «بهترین نشانه زهد کامل و خوارشدن دنیا، همان فداکاری و گذشت ایشان از جان خود و جوانان و برادران و اصحاب و یاران و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود»(صافی گلپایگانی، ۱۳۶۷: ۱۲۶). دیوان ایشان به خاطر انگیزه‌های الهی، نفسانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، پر از مضامین شعری زهد بوده و کلمه زهد نیز، بارها در این دیوان تکرار شده است. ایشان خود در بیان مفهوم زهد چنین می‌گوید:

وما زهدُ الفَتَى بِحَلْقِ رَأْسٍ
ولکن بالهُدَى قَوْلًا وَفِعْلًا
وإعمال الذی یُنَجِّی وَیُنَمِّی
ولا بلباسِ أَثوابٍ غِلاظٍ
وإِدْمَانِ التَّجَشُّعِ فِی اللِّحَاطِ
بِوَسْعِ وَالفِرَارِ مِنْ الشَّوَاظِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۴۹)

- زهد جوان به تراشیدن سر و «پوشیدن» لباس ضخیم و خشن نیست.
- بلکه در هدایت(مردم) از طریق سخن و رفتار است و (نیز) در عادت به طمع ورزی در نگاه با گوشه چشم است(چشم‌چرانی نکردن است).
- و (نیز) در انجام اعمالی که (انسان) را نجات می‌دهد و بسیار سبب شکوفایی او می‌شود و (نیز) در فرار از شعله آتش(جهنم به وسیله اعمال نیک در این دنیا) است.

امام(ع) در شعر «حلبه الزهد» نیز به وصف زهد و عمل نیک پرداخته(همان: ۱۵۷) و دنیا را میدانی برای زهد دانسته و غیر از آن، همه میدانها را باطل معرفی می‌کند. ایشان در ادامه، همه چیز را فانی دانسته و تنها عمل نیک را نزد خداوند باقی می‌داند:

ألا إنَّ السَّبَّاقَ سَبَّاقُ زُهْدٍ وما فی غیر ذلک من سَبَّاقٍ
و یَفنی ما حَوَّاهُ المُلکُ أصلاً وَفَعَلَ الخَیرِ عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ

(همان: ۱۵۷)

- هان! مسابقه تنها در مسابقه زهد است و غیر از آن مسابقه‌ای نیست.
- و آنچه را که زمین(دنیا) در بر گرفته فانی است و (تنها) عمل نیک نزد خداوند باقی است.

امام(ع) در شعر «طلب الزهد» نیز به وصف انسان زاهد پرداخته و در آن، «از کسی سخن گفته که در زندگی به زهد علاقه دارد، زیرا وی راهی به سوی آن نمی‌یابد مادامی که بار خانواده بر او سنگینی کند چون مشغول شدن وی به آن، او را از زهد نسبت به دنیا باز می‌دارد»(قرشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۲۷):

لیسَ یَصْفُو لِزَاهِدٍ طَلَبُ الزُّهْدِ إِذَا كَانَ مُتَّقِلاً بِالْعِیَالِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۶۷)

- هر گاه که زاهد دارای خانواده‌ای باشد، طلب زهد برای او گوارا نیست.
- «به طور کلی، امام حسین(ع) در شعرش به زهد در این دنیای فانی و تشویق به گوشه‌نشینی در آن و کناره‌گیری از آن دعوت کرده»(همان: ۱۰۰) و مضامین بسیار والایی در این خصوص به تصویر کشیده است. در دیوان حافظ نیز، مضامین زهد، جایگاه بس والایی دارد. او در شعر خود همچون امام(ع) به زهد واقعی توجه داشته، و از ریاکاران بیزار است، به همین خاطر آن‌ها را سرزنش کرده و می‌گوید:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

(حافظ، ۱۳۸۷: ۱۹۹)

- او در بیت زیر نیز، جان و دل خود را در فدای دوست فدا کرده و زاهد غیر واقعی را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

(همان: ۳۰)

این شاعر در بیت زیر نیز بیان می‌کند که در راه عشق و زاهد باید دست از مس وجود برداری تا کیمیای عشق واقعی را به دست آوری:
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
(همان: ۴۷۹)

مضامین زهد در دیوان منسوب به امام حسین(ع) و حافظ شیرازی

نکوهش دنیا و پرهیز از دنیا پرستی

یکی از مضامین پر بسامد در دیوان امام حسین(ع)، نکوهش دنیا و عدم دلبستگی به آن است که آن را در خطبه‌هایش نیز می‌توان دید(مخفف، ۱۳۱۲: ۹۴). «ایشان زندگی خود را وقف شهادت نمود و در راه آرمان بلند خویش، جان خود و کسان خود را فدا کرد»(بارا، ۱۹۸۴: ۵۸).

بنابراین چنین شخصیتی، نمی‌تواند دنیاپرست باشد و این را در شعر او نیز به وضوح می‌توان دید. ایشان در شعر زیر بیان می‌کند که دنیا با وجود همه لذت‌هایی که از آن بهره‌مندیم رو به پایان است. و در ادامه می‌فرمایند: کسی که از سر غرور به دنیا چسبیده، کارش فانی است. نیز ساکن دنیا هر چند که حریص به اقامت در آن باشد، به زودی از آن رخت می‌بندد:

وَدُنْيَانَا وَإِنْ مِلْنَا إِلَيْهَا وَطَالَ بِهَا الْمَتَاعُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ
أَلَا إِنَّ الرُّكُونَ عَلَىٰ غُرُورٍ إِلَىٰ دَارِ الْفَنَاءِ مِنَ الْفَنَاءِ
وَقَاطِنُهَا سَرِيعُ الظَّعْنِ عَنْهَا وَإِنْ كَانَ الْحَرِيصَ عَلَى الثَّوَاءِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۰۸)

- دنیای ما رو به سوی تمام شدن است، هرچند که به آن گرایش یابیم و لذت‌های آن طولانی گردد.

- هان! کسی که از سر غرور به خانه فانی (دنیا) تکیه کرده، (کارش) از تباهی است.

- ساکن دنیا به سرعت از آن کوچ می‌کند، هرچند که به اقامت در آن حریص باشد.

ایشان در شعر زیر نیز بیان می‌کند که در دنیا نمی‌توان به شادی رسید و شادی آن تا آنجایی که ما می‌دانیم آمیخته با گریه و آه و ناله است:

فکیفَ تَنالُ فی الدُّنیا سُروراً
وإنَّ سُرورها فیما عَهدنا
وَأیّامَ الحیاةِ إلی انسِلاخ
مَشُوبٌ بالبُکاءِ وبالصُّراخ

(همان: ۱۲۴ - ۱۲۵)

- چگونه در دنیا به شادی دست می‌یابی، حال آنکه زندگی رو به پایان است؟
 - همانا تا آنجایی که ما شناختیم، شادی دنیا آمیخته با گریه و داد و فریاد است.
- امام(ع) که «یکی از علل قیام و نهضتش، احیای آخرت‌گرایی و کنار گذاشتن دنیاگرایی و ماده‌مداری است» (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۷۹)؛ در ابیات زیر نیز به بخشندگی و پرهیز از دنیاپرستی توصیه می‌کند:

إذا جادت الدُّنیا علیک فَجُد بها
فلا الجودُ یُغنیها إذا هی أَقبَلت
علی النَّاسِ طراً قبل أن تَنفَلتِ
ولا البُخلُ یُبقیها إذا ما تَوَلتِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۱۷)

- هرگاه دنیا به تو ببخشد، قبل از اینکه (این ثروت) از بین برود، همه آن را بر مردم ببخش.
 - هرگاه دنیا (به تو) روی آورد، بخشش، آن را بی‌نیاز نکرده و هرگاه دنیا از تو روی گردان شود، بخل آن را ابقا نمی‌کند.
- حافظ نیز از دنیاپرستی دوری کرده و همچون امام(ع) از ما می‌خواهد که زندگی خوش را در این دنیا طلب نکنیم. و می‌سراید:

مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر
که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است
او در شعر دیگری نیز، مضمون فوق را تکرار کرده و چنین سروده:

(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۵)

- مجو درستی عهد از جهان سست‌نهاد
که این عجزه، عروس هزار داماد است
(همان: ۴۱)

شاعر در شعر زیر نیز، دنیای فانی را پست معرفی کرده و از مخاطبان خود می‌خواهد باده الهی را سر بکشند:

غم دنیای دنی چند خوری باده بخور
حیف باشد دل دانا که مشوش باشی

(همان: ۱۶۲)

سرکوب هوای نفس

امام حسین(ع) نماد همه فضیلت‌های انسان کامل است. هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که توانسته باشد شکوه بشریت را با خونش ثبت کند(شُبَّر، ۱۳۸۸: ۱۹/۱).

ایشان با این فدا کردن خون خود و شهادت طلبی، بر هوای نفس خود غلبه کرد. ایشان در اشعار خود، بارها به سرکوب هوای نفس اشاره کرده و در بیت زیر، به ما می‌آموزد که چیزی لذیذتر از درستی و خالی بودن از هوای نفس نیست:

عليك بظلفِ نفسِكَ عن هَواها فما شئِءٌ أَلَدُّ مِنَ الصَّلاحِ
(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۲۳)

- بر تو باد بر حذر داشتن دل خود از هوای نفس! که چیزی لذیذتر از تندرستی نیست. ایشان در جای دیگری، خواستار رضایت خداوند بوده و بیان می‌کند که در پی این هدف، به نفس خود که به دنبال آرزوها بوده ستم کردم:

وَأَسْأَلُهُ الرِّضَا عَنِّي فَإِنِّي ظَلَمْتُ النَّفْسَ فِي طَلْبِ الْأَمَانِي
(همان: ۱۸۶)

- من خواستار رضایت خداوند از خود هستم و به نفس خود که در طلب آرزوها بود ستم کردم.

حافظ نیز در دیوان خود، خود و دیگران را از هوس‌پردازی منع کرده و بیان می‌کند که این کار، انسان را از جایگاه والایش یعنی بهشت دور می‌نماید:
هش دار که گر وسوسه نفس کنی گوش آدم صفت از روضه رضوان بدر آیی
(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۸۶)

او در بیت زیر باده الهی را درمان هوس‌پردازی دانسته و ما را دعوت می‌کند که هوا و هوس را از خود دور نمائیم:

عمر بگذشت به بی حاصلی و بوالهوسی ای پسر جام میم ده که به پیری برسی
(همان: ۴۴۹)

نکوهش غرور

از دیگر مضامین زهد در شعر حضرت، نکوهش غرور است که در شعر زیر با هدف ارشاد می‌توان مشاهده کرد. ایشان که در زهد به تفصیل سخن گفته(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۰۰)، می‌فرمایند:

أَخِي إِعْتَبِرْ لَا تَعْتَرِرْ كَيْفَ تَرَى صَرَفَ الزَّمَنِ
يُجْزِي بِمَا أُوتِيَ مِنْ فِعْلٍ قَبِيحٍ أَوْ حَسَنِ

(همان: ۱۹۶)

- ای برادر! عبرت بگیر و مغرور نشو، حوادث روزگار را چگونه می‌بینی؟
- کسی که کار خوب یا زشتی را مرتکب شده، پاداش آن را می‌بیند.
حافظ نیز در دیوان خود، بارها به نکوهش غرور پرداخته و از ثروتمندان می‌خواهد که به افراد ضعیف و ناتوان با دیده حقارت نگاه نکنند:

به خواری منگر ای منعم ضعیفان و نحیفان را که صدر مجلس عشرت، گدای ره نشین دارد
چو بر روی زمین باشی، توانایی غنیمت دان که دوران ناتوانی‌ها بسی زیر زمین دارد
(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۳)

خضوع و افتادگی

امام حسین(ع) بر تواضع و دوری گزیدن از منت و تکبر سرشته شده و این صفت را از جدش، حضرت پیامبر به ارث برده بود که اصول اخلاقی را در زمین برپای داشت(قرشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۴۹). این خصلت یعنی خضوع و تشویق به آن، یکی از مضامین زهد در اشعار ایشان است. ایشان مخاطب را به تواضع تشویق کرده و عزت‌طلبی دنیوی و گرامی داشتن نفس را از کارهای ستمکاران دانسته و بیان می‌کند که هر گاه دل به عزت دنیوی برسد، برایش خوشگوار نیست و این عزت دنیوی از میان می‌رود و همچون قصری می‌شود که از هم فرو پاشیده است:

وَلَمْ يَطْلُبْ غُلُوَّ الْقَدْرِ فِيهَا وَعِزَّ النَّفْسِ إِلَّا كُلُّ طَاغٍ
وَإِنْ نَالَ النَّفْسَ مِنَ الْمَعَالِي فَلَيْسَ لِنَيْلِهَا طَيْبُ الْمَسَاغِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۵۲)

- جز انسان ستمکار، کسی خواستار مقام والا و عزت نفس (در این دنیا) نیست.

- هر گاه دل‌ها به بزرگی‌ها برسند، این دست یافتن خوشگوار نیست.
حافظ نیز در مقابل خداوند، بسیار فروتن و خاشع بوده و دل و جان خود را همواره،
خاک راه دوست می‌داند:

دل من از هوس بوی تو ای مونس جان خاک راهی است که در دست نسیم افتادست
(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۰)

در بیت زیر نیز می‌توان توجه حافظ به عدم غرور، و گرایش به فروتنی را مشاهده
کرد که با زبانی ساده و دارای موسیقی گفته:
الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور پدر را باز پرس آخر کجا شد مهر فرزندی
(همان: ۴۳)

مرگ‌اندیشی

یکی دیگر از مضامین زهد در شعر امام حسین(ع) دعوت به آمادگی در برابر مرگ
است. ایشان هیچ‌گاه از مرگ نه‌راسیده و به یارانش می‌فرمایند که همانا مرگ بر فرزند
آدمی حق است(العقاد، ۱۹۷۴: ۲/ ۲۳۱).

او شعری با عنوان «تَأْتِبُ لِلْمَنِيَّةِ حِينَ تَعْدُو» هنگامی که صبح می‌کنی خود را برای
مرگ آماده کن» دارد که در بحر طویل سروده و در آن نیز ما انسان‌ها را به آمادگی در
برابر مرگ دعوت می‌نماید و انسان را قبل از مرگ با همه گناهان سنگینش به توبه فرا
می‌خواند:

تَأْتِبُ لِلْمَنِيَّةِ حِينَ تَعْدُو كَأَنَّكَ لَا تَعِيشُ إِلَى الرَّوَّاحِ
وَبَادٍ بِالْإِنَابَةِ قَبْلَ مَوْتٍ عَلَيَّ مَا فِيكَ مِنْ عِظَمِ الْجُنَاحِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۲۳)

- هنگامی که صبح می‌کنی خود را برای مرگ آماده کن، گویی که تو تا شب زنده نیستی
- و قبل از مرگ با وجود همه گناهان بزرگی که داری توبه کن.

مرگ‌اندیشی در شعر حافظ نیز وجود دارد. شایان ذکر است که این مرگ‌اندیشی
حافظ از سر عشق بوده و همراه با غم و اندوه است:

بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر کز آتش درونم دود از کفن برآید
(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۷۹)

او در شعر دیگری، فکر مرگ را در سر پرورانده و تنها آرزوی خود را دیدار دوست می‌داند:

روز مرگم نفسی وعده دیدار بده
وانگهم تا به لحد فارغ و آزاد ببر
(همان: ۲۵۰)

توصیه به پرهیز از فساد و گناه

امام حسین(ع) که همه چیز را در خدمت احیای دین گرفت(اصغری، ۱۳۹۰: ۳۶۰)، در اشعار خود، بسیار ما را از فساد و گناه باز داشته است. او در شعر زیر، فساد را بدترین توشه برای آخرت دانسته و به ما می‌آموزد که مطیع گناهان نباشیم و از موی سپید خود که هشداردهنده هستند عبرت بگیریم:

أخى قد طالَ لُبْتُكَ فى الفسادِ
وقادتك المعاصى حيثُ شاءتِ
وبئسَ الزادُ زادك للمعادِ
وغلقتك إمراً سليسَ القيادِ
كفأك مشيبُ رأسك من نذيرِ
وغالبَ لونه لونَ السوادِ

(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۲۴ و ۱۲۵)

- برادرم! مکث تو در فساد طولانی گشت و توشه تو برای آخرت چه بد توشه‌ای است.
- گناهان هر جا که خواستند تو را هدایت کردند و تو را مردی مطیع و فرمانبردار خود یافتند.

- موی سپید سرت به عنوان هشداردهنده برای تو کافی است که رنگش بر رنگ سیاه (مویت) غلبه دارد.

حافظ نیز در دیوان خود، همواره به دوری از آزار و اذیت دیگران دعوت کرده و در بیتی می‌گوید:

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست
(حافظ، ۱۳۸۷: ۸۰)

او در بیت زیر نیز می‌سراید:

به یکی جرعه که آزار کسش در پی نیست
زحمتی می‌کشم از مردم نادان که می‌رس
(همان: ۲۶۷)

حافظ چندان به این ویژگی اخلاقی یعنی ظلم و ستم نکردن به دیگران توجه داشته، که معتقد است که باید با دشمن نیز مدارا کنیم:
با دوشستان مروت، با دشمنان مدارا
آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است
(همان: ۱۳)

شهادت طلبی در راه خداوند

مسأله‌ای که بیانگر شیوه خاص امام حسین(ع) در مبارزه با دستگاه خلافت است، استقبال از شهادت و ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ستمگران است. عباراتی همچون «هیئات منّا الذلّة: پذیرفتن ذلت از ما دور است» (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۱۴۵) حسّ شهادت طلبی و اوج روحی امام(ع) را بیان می‌کند. ایشان در شعر خود که مضمون مصراع اول آن را در شعر ابوالعلاء معری نیز می‌توان دید، بیان می‌دارد که اگر همه برای مرگ آفریده شدند، مردن با شمشیر در راه خداوند بهتر از مرگ طبیعی است:

فإن كانت الأبدانُ للموتِ أنشئتْ فقتلُ امرئٍ بالسيفِ في الله أفضلُ
(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۳۷ - ۱۳۸)

- اگر جسم‌ها برای مرگ خلق شدند، کشته‌شدن انسان با شمشیر در راه خداوند بهتر (از مرگ طبیعی) است.

حافظ نیز در دیوان خود، مضمون شهادت طلبی را به تصویر کشیده و می‌گوید:

محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست

چون رخت از آن توست به یغما چه حاجت است

(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۳)

ویژگی‌های زهدیات امام حسین(ع) و حافظ شیرازی

کاربرد کلمات ساده و دلنشین

اولین ویژگی زهدیات امام حسین(ع) و حافظ شیرازی، کاربرد کلمات و تعابیر ساده و دلنشین و عدم تکلف و تعقید است. امام(ع) در شعر، قدرت بداهه‌گویی دارند (قرشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۲۳) و از کلمات و ترکیبات شعری بهره می‌جویند که ساده و روان و برای

همگان قابل فهم است و در آن هیچ‌گونه تکلف و تعقیدی نتوان مشاهده کرد. زبان شعریش ساده بوده و در ساختار و جزالت لفظ و سبک با زبان خطبه‌هایش متفاوت است (همان: ۱۰۰). شعر *حافظ شیرازی* نیز، دارای کلمات آهنگین و ترکیبات منسجم و استوار است. نمونه آن:

غم جهان مخور و پند من مبر از یاد
که این لطیفه عشقم ز رهروی یاد است
(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۱)

کاربرد اندک خیال شعری

یکی از ویژگی‌های اشعار زاهدانه که در شعر *امام حسین(ع)* نیز به وضوح می‌توان دید، کاربرد اندک خیال شعری (استعاره، مجاز، کنایه و غیره) و به طور کلی عناصری است که فهم شعر را برای مخاطب سخت می‌کند. دلیل آن نیز، این است که ایشان شعر خود را برای طبقه عامه سرودند و در پی نجات مردم از عذاب آخرت بودند و به توصیف مضامینی چون توبه، دنیاگریزی با زبان ساده و بدون پیرایه همت گماشتند. اما اشعار زاهدانه *حافظ* از تصویر و خیال شعری خالی نیست. به طوری که او انواع تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز بهره برده است. به عنوان نمونه او دنیای فانی را فریبکار دانسته و آن را به عروس هزار داماد تشبیه می‌کند.

موسیقی دلنشین

یکی از ویژگی‌های مشترک زهدیات *امام حسین(ع)* و *حافظ*، موسیقی طنین‌انداز آن است. توضیح اینکه *امام حسین(ع)* در اشعار خود علاوه بر موسیقی بیرونی و کناری شعر خود به موسیقی درونی و معنوی آن نیز توجه نشان داده است. ایشان در باب موسیقی بیرونی شعر از انواع بحر شعری بهره برده و در این میان، علاقه بیش‌تری به بحر آهنگینی چون بحر وافر نشان داده و ۲۸ قطعه شعر در این بحر سروده است. بحر شعری وی به این ترتیب است: وافر: ۲۸ شعر/ رجز: ۵ شعر/ مجزوء کامل: ۴ شعر/ طویل: ۴ شعر/ بحر کامل، سریع، هزج، خفیف، بسیط، متقارب و رمل: هر کدام یک شعر. ایشان در باب موسیقی کناری شعر نیز از کلمات و قافیه‌های آهنگین با حروف روی

شایع مثل «دال، میم و راء» استفاده می‌کند و در بحث موسیقی درونی شعر از کلمات ساده و آهنگین بهره برده و به روابط میان کلمات توجه دارد. موسیقی معنوی شعرشان نیز بیش‌تر بر پایه آرایه‌هایی چون مراعات نظیر، جناس، تضاد و غیره است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر حافظ نیز موسیقی دلربای آن است، به طوری که او در خصوص موسیقی بیرونی شعر خود تلاش می‌کند که از اوزان آهنگین چون بحر رمل و هزج بهره بگیرد و قافیه‌های شعر خود را از کلمات زیبا و آهنگین و غالباً با حروف روی شایع مثل «دال، راء و میم» انتخاب کند و در این راه، از بکارگرفتن ردیف نیز دوری نمی‌کند. علاوه بر آن، شاعر از موسیقی درونی و معنوی نیز برای برجسته کردن معنی نیز بهره می‌برد.

بهره‌بردن از الفاظ و مضامین قرآنی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زهدیات/امام حسین(ع) بهره‌گیری از مضامین و الفاظ قرآنی است(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۰۰). به عنوان نمونه، او در شعر زیر به وصف روز قیامت پرداخته و همچون آیه قرآن کریم: ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾: «روزی که مردم چون پروانه‌ای پراکنده می‌شوند»(قارعة/ ۴)، مردم را در آن روز چون پروانه‌های پراکنده، سرگردان معرفی می‌کند:

عَظِيمٌ هُوَ لَهُ وَ النَّاسُ فِيهِ
بِهِ تَتَغَيَّرُ الْأَلْوَانُ خَوْفًا
خَيَّارِي مِثْلَ مَبْعُوثِ الْفِرَاشِ
وَ تَصْطَكُّ الْفَرَائِصُ بِإِرْتِعَاشِ
(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۴۰)

- ترس(روز قیامت) بزرگ است و مردم در آن مثل پروانه‌های سرگردان هستند.

- در آن روز، رنگ افراد از ترس تغییر پیدا می‌کند و پهلوها به لرزه می‌افتند.

ایشان در شعر دیگری با بهره‌گیری از این کلام خداوند در قرآن کریم ﴿كَمَا هَلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَاوَلَاتِ حَيْنَ مَنَاصٍ﴾: «چه بسیار مردم گذشته را پیش از آن‌ها را به هلاکت رساندیم و فریاد برآوردند و هنگام، هنگام گریز نبود»(ص/ ۳) می‌گوید:

وَإِنْ تَشَدُّدٌ يَدَأُ بِالْخَيْرِ تُفْلِحُ
وَإِنْ تَعَدَّلَ فَمَا لَكَ مِنْ مَنَاصٍ
(حسانی، ۲۰۰۶: ۱۴۳)

- چنانچه دستت را به (کار) خیر بگیری، رستگار می شوی و چنانچه از آن اعراض نمایی، (بدبخت می شوی و) گریزی برای تو نیست.
این ویژگی در اشعار حافظ نیز به چشم می خورد. به عنوان نمونه او در غزلی سروده:
حضوری گر همی خواهی ازو غایب مشو حافظ

متی ما تلقَ مَنْ تهوی دَعَ الدّٰتیا وأهملها

(حافظ، ۱۳۸۷: ۵)

نتیجه بحث

دیوان امام حسین(ع) و حافظ شیرازی پر از مضامین زاهدانه و مفاهیم اخلاقی و انسانی است. از جمله مضامین مشترک در دیوان آن‌ها، به ناپایداری دنیا و دل بستن به آن، سرکوب هوای نفس، قناعت پیشگی، نکوهش غرور، خضوع و افتادگی و شهادت طلبی می توان اشاره داشت. مضمون بی توجهی به دنیا و دوری از آن، پر بسامدترین مضمون زهد در دیوان امام(ع) و حافظ شیرازی است.

شایان ذکر است که شالوده آراء و افکار حضرت از مفاهیم و آموخته‌های دینی تشکیل شده و ایشان بهره فراوانی از آیات قرآن کریم در زهدیات خود برده است. این مفاهیم قرآنی در شعر حافظ نیز به چشم می خورد.

نکته قابل توجه این است که شعر امام حسین(ع) از تصویرسازی‌های اغراق آمیز و خیال پردازی‌های بی حدّ و حصر شاعرانه در انعکاس مضامین و ابعاد گوناگون زهد و حکمت خالی است. اما شعر حافظ از این صور خیال خالی نیست.

زبان شعری امام(ع) و حافظ، ساده و صمیمی بوده و همراه با موسیقی دلنشینی است که برخاسته از محور شعری طنین انداز و کلمات خوش آهنگ قافیه و نیز الفاظ ساده و هماهنگی میان آن‌هاست.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد. ۱۳۸۵، **النهاية**، به کوشش طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنابی، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن طاووس، سید. ۱۴۱۴ق، **اللاهوف علی قتلی الطفوف**، بی‌جا: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- اصغری، محمود. ۱۳۹۰، **بازشناسی نهضت عاشورا**، چاپ اول، به قلم جمعی از نویسندگان، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بارا، آنتون. ۱۳۸۳، **الحسین فی الفكر المسيحي**، قم: فاروس.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷، **لغتنامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران: لغت نامه.
- جواهری، اسماعیل. ۱۴۰۷ق، **الصحاح فی اللغة**، ط ۴، تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- حافظ، شمس الدین محمد. ۱۳۸۷، **دیوان حافظ**، چاپ دوم، به کوشش احمد حسینی، تهران: مهر آمین.
- حسانی، شراد؛ الزرقانی، فرحان؛ کامل، حیدر. ۲۰۰۶م، **دیوان الإمام الحسین**، ط ۱، بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- خوئی، میرزا حبیب الله. ۱۳۸۵، **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة**، چاپ چهارم، تهران: المکتبة الإسلامية.
- شبر، جواد. ۱۳۸۸، **أدب الطف أو شعراء الحسین(ع)**، ط ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۰، **تازیانه‌های سلوک**، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- الشیرازی، السید حسن. ۲۰۰۰م، **کلمة الإمام الحسین**، ط ۲، بیروت: دار العلوم.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. ۱۳۶۷، **پرتوی از عظمت حسین**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- الطبرانی، الإمام. ۱۹۹۲م، **مقتل الحسین بن أبی طالب**، تحقیق محمد شجاع ضیف الدین، الکویت: دار الأوراد.
- العقاد، عباس محمود. ۱۹۷۴م، **المجموعة الكاملة لمؤلفات الأستاذ، العبقريات الإسلامية، عبقرية الإمام علی، الحسین أبو الشهداء، فاطمة الزهراء و الفاطميون**، ط ۱، بیروت: دار الکتب اللبانی.
- قرشی، باقر شریف. ۱۳۸۰، **زندگانی حضرت امام حسین بن علی(ع)**، چاپ اول، ترجمه سید حسین محفوظی، جلد اول، قم: بنیاد معارف اسلامی.